

نهاد مذهبی وقف و کارکرد خدمات اجتماعی آن در دوران قاجار

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰

رضا فلاحزاده

چکیده

عصر قاجاریه از پراهمیت‌ترین برهه‌های تاریخی ایران است. نزدیکی به زمان معاصر، آغاز دوره تمدن نوین، ارتباط با بیگانگان، بی‌کفایتی حاکمان، استثمار و... از جمله ویژگی‌های این دوران است که ضرورت کندوکاو تاریخی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، «خدمات اجتماعی» قدمتی به طول حیات اجتماعی انسان دارد و نمودی از هم‌دلی و اهمیت بشر، به هم نوع خویش است و مناسب است تا محل تحقیقات محققان قرار گیرد. در این میان، نهاد مذهبی وقف که جایگاه خاصی در نزد مسلمانان دارد؛ در دوران قاجار مورد توجه خاص نهادهای مردمی بوده است. نوشتار حاضر بر آن است تا با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و گردآوری داده‌ها و اطلاعات تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به این مسئله پاسخ دهد که نهاد وقف چه جایگاهی در خدمات اجتماعی در دوران قاجار داشته است؟ در پاسخ می‌توان گفت که وقف بیشتر به‌عنوان یک خدمات اجتماعی مردم‌نهاد؛ مهم‌ترین نهاد نقش‌آفرین در خدمات اجتماعی آن دوران بوده است چراکه بی‌اعتمادی مردم به حکومت قاجاری و اوضاع نامساعد اجتماعی آن عصر، نهادهای مردمی را به فکر ارائه خدمات اجتماعی می‌انداخت و از آنجاکه انگیزه‌های مذهبی بسیار قوی در

میان مردم آن دوران وجود داشت؛ نهاد وقف به نقش آفرینی پررنگی در خدمات اجتماعی مشغول بود. نهاد وقف در چهار حوزه خدمات رفاهی، خدمات آموزشی، خدمات بهداشتی-درمانی و خدمات بهزیستی به نقش آفرینی پرداخته است و حضور آن بیش از همه در حوزه‌های آموزشی و خدمات رفاهی دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: وقف، خدمات اجتماعی، قاجاریه، بهداشت و درمان، خدمات رفاهی، آموزش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

واژه خدمات اجتماعی اگرچه به نظر می‌رسد واژه‌ای جدید ساخته باشد؛ اما اگر به معنا و مصادیق آن دقت شود، مفهومی با قدمت بسیار است. چراکه در مفهوم این واژه، اموری عام‌المنفعه و خداپسندانه مورد توجه قرار می‌گیرد که برای تأمین منافع همگانی در اجتماع باشد و چنین مفهومی ریشه در تاریخ اجتماعی انسان دارد و مورد توجه مردم و گاه حکومت‌ها در تاریخ ایران نیز بوده است. از جمله مصادیق خدمات اجتماعی (Social Services) می‌توان به پرستاری از بیماران، تیمار ناتوانان، کمک به فقیران و مسکینان، بیوه‌زنان و سرپرستان خانوار، انجام امور عام‌المنفعه چون ساخت مدرسه، بیمارستان، یتیم‌خانه، پل و... اشاره نمود؛ مصادیقی که در پهنه تاریخ و در میان اسناد و منابع دوره‌های گوناگون تاریخی دارای نمونه‌های بسیاری است. در این میان، دوران قاجار دارای ویژگی‌های خاص خود در میان ادوار تاریخ ایران است، از جمله: نزدیکی به دوران معاصر، گسترش علم و دانش، افزایش سطح دانش عمومی، گسترش ارتباطات با جهان به‌ویژه غرب، آشنایی با مدرنیته، آزادی‌خواهی در برهه‌ای از این دوره، بی‌کفایتی برخی حکام، عدم اعتماد عمومی مردم به حکومت و... که توجه به این ویژگی‌ها، می‌تواند منبع مهمی در بین تاریخ‌پژوهان برای تحقیق در ابعاد مختلف آن باشد. از جمله عرصه‌هایی که در این دوران نیاز به پژوهش بیشتر در آن دیده شده؛ بحث خدمات اجتماعی است؛ به‌ویژه با توجه به این نکته که می‌توان سرآغاز مفهوم خاص خدمات اجتماعی در ایران را از دوران قاجار دانست و نهادهای نقش‌آفرین در آن را به دو دسته نهادهای مردمی و نهادهای حکومتی تقسیم کرد. در این میان نهاد وقف که از دل نهاد مذهبی شکل گرفته است؛ بر اساس مطالعات تاریخی، مهم‌ترین نهاد نقش‌آفرین در خدمات اجتماعی دوران قاجار بوده است. وقف ریشه در اعتقاد به عدم مالکیت حقیقی انسان بر املاک خود دارد و این پیام را صادر می‌کند که مالک حقیقی

همه چیز - حتی اموال و دارایی‌های شخصی انسان - خداوند است و اگر انسان چیزی را در راه خدا وقف کند، برای او باقی می‌ماند ولی اگر آن را نگه دارد، از دست می‌دهد. با این دیدگاه و به دلیل غلبه تفکر مذهبی و نفوذ بالای روحانیت در عصر قاجار از یک سو و اوضاع نامساعد اجتماعی از سوی دیگر، نهاد مردمی خدمات اجتماعی در قالب وقف، خدمات اجتماعی در حوزه‌های آموزش، بهداشت و درمان، خدمات رفاهی و خدمات بهزیستی ارائه می‌داد و بیش از همه، موقوفات در حوزه‌های آموزشی و رفاهی در دوران قاجار دیده می‌شود. بر این اساس، این تحقیق با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و گردآوری داده‌ها و اطلاعات تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این مسئله است که خدمات اجتماعی در دوران پرفرازونشیب قاجاریه توسط چه نهادهایی انجام پذیرفته است و شامل چه پشتوانه‌های مالی و اقتصادی بوده است؟

خدمات اجتماعی

خدمات اجتماعی با زندگی جمعی نوع بشر سروکار دارد و از ابتدا همراه او بوده است، اگرچه واژه «خدمات اجتماعی»^۱ کلمه‌ای نوین به چشم آید. عبارت خدمات اجتماعی، مرکب از دو کلمه «خدمات» و «اجتماعی» است. در مراجعه به فرهنگ‌های زبان فارسی، کلمه خدمات جمع خدمت و به معنای: «کار کردن برای کسی (عمید، ۱۳۸۹: ۴۷۷)، پرستاری، تیمار، انجام عملی از سر بندگی و دلسوزی برای کسی، تیمار و تعهد و دلسوزی و نیکو خدمتی در حق کسی، انجام کاری نیک در حق کسی» (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۶، ص ۹۵۹۲) است و مفهوم اجتماعی در فرهنگ‌های لغت این‌گونه آمده است: «منسوب به اجتماع، همگانی، عمومی» (معین، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۹۱). پس می‌توان این عبارت را به معنای فعالیتی عام‌المنفعه و همگانی از سر دلسوزی در حق عامه مردم تعریف نمود. در اصطلاح، خدمات اجتماعی به کوشش‌های سازمان‌یافته‌ای اطلاق می‌شود که در جهت رفاه محرومین به کار می‌آید. مددکاری

1. Social services 'social work.

اجتماعی بعد حرفه‌ای این کوشش را می‌رساند. (ساروخی، ۱۳۷۰) در تعریفی دیگر، «خدمات اجتماعی، آن دسته از خدمات سازمان‌یافته‌ای است؛ که به‌منظور سازگار کردن فرد و محیط با یکدیگر انجام می‌گیرد. در این معنی تأمین اجتماعی به معنای اخص، بخشی از فعالیت‌های خدمات اجتماعی به شمار می‌آید.» (مریدی، ۱۳۷۸: ۵۳) به این ترتیب این خدمات از یک‌سو، ایجاد محیط اجتماعی مناسب و از سوی دیگر توانمند کردن افراد را هدف قرار می‌دهد. خدمات اجتماعی در اساس، برای کمک به افراد یا گروه‌های آسیب‌پذیر یا مصیبت‌زده و گرفتار تدارک دیده‌شده است. خدمات اجتماعی که از انگیزه‌های بشردوستانه انسان سرچشمه می‌گیرد، از سوی دولت و یا سازمان‌های مردمی عرضه می‌شود. (مصطفایی، ۱۳۸۹)

خدمات اجتماعی در اسلام

بنابر تعریف‌های ارائه‌شده، جای‌جای اسلام و زندگی بزرگان آن آکنده از خدمات اجتماعی و دعوت به آن است و این دین آسمانی کوشیده است با ثواب‌های اخروی و تبیین اثرات فردی و اجتماعی این امور عام‌المنفعه، مردم را به انجام آن دعوت نماید.

خدمات اجتماعی در نزد اندیشمندان مسلمان بیشتر با عنوان تکافل اجتماعی شناخته شده است. تکافل یعنی کفالت کردن، عهده‌دار شدن امری، به عهده گرفتن چیزی در عوض کسی و تکافل در باب تفاعل، یک امر متقابل و دوطرفه است، یعنی مسئولیت‌ها و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند، تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت مرتفع ساختن مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی، یعنی امداد نیازمندان جامعه و تأمین احتیاجات محتاجان. (زاهدی اصل،

۱۳۸۷: ۸۵ و ۸۶)

قرآن کریم رابطه جامعه ایمانی در اسلام را به عنوان رابطه اخوت معرفی می کند^۱ و آنان را یک امت واحده می داند^۲ از این خطاب‌ها به خوبی برمی آید که چگونه اموری که منفعت همگانی به اعضای جامعه می‌رساند باید مورد توجه و اهتمام قرار گیرد چراکه از نظر قرآن مجید تمام افرادی که در دایره امت واحده اسلامی در حال زندگی هستند، برادرانی اند که درد و رنج هریک، گرفتاری و مشکل سایر اعضای خانواده نیز محسوب شده و باید به یاری یکدیگر بشتابند. می‌فرماید: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ).^۳

خداوند در قرآن کریم ضمن تأکید بر فقرزدایی می‌فرماید: (وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ).^۴

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: (وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا / الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا).^۵ این آیه مصادیق فراوانی از خدمات اجتماعی همچون احسان به والدین، نزدیکان، یتیمان، مساکین (نیازمندان شدید)، همسایگان، در راه ماندگان و بخل نورزیدن را مورد توجه و تأکید قرار داده است.

در سیره و کلام معصومین علیهم‌السلام آن چنان آثار خدمات اجتماعی و کمک به نیازمندان آشکار است که نزد عام و خاص، بزرگ و کوچک، دوست و دشمن و... به حد شهرت رسیده است؛ به نحوی که به شهادت تاریخ، امام حسن علیه‌السلام، دو بار اموال

۱. حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

۲. انبیا (۷۸)، آیه ۹۲.

۳. مانند (۵)، آیه ۲.

۴. بقره (۲)، آیه ۱۹۵.

۵. نساء (۴)، آیات ۳۶ و ۳۷.

خود را بین فقرا تقسیم کرد. (پیشوایی، ۱۳۷۵: ۹) درباره ایثار خاندان عصمت علیهم السلام در قرآن کریم آمده است: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا»^۱ که مربوط به سه روز اطعام بی نظیر پنج تن است. (مجلسی، بی تا: ج ۴۹، ص ۲۰۸) از جمله احکامی که مرتبط با خدمات اجتماعی است می توان به زکات، صدقه، صله ارحام، قرض الحسنه، سرپرستی از یتام و بالاخره وقف اشاره نمود.

وقف

سنت حسنه وقف به عنوان یکی از مؤثرترین راه های همیاری در طول تاریخ، همواره پشتوانه اقتصادی اهداف متعالی انسان در جوامع بشری بوده و به شکل های گوناگون از جمله وقف خانه و زمین وجود داشته است. دامنه موقوفه ها، گسترده تر از املاک و اموال ثابت است و دارایی های منقول را هم شامل می شود. وقف در طول تاریخ ایران یکی از اصلی ترین پشتوانه های مالی برای خدمات عام المنفعه به شمار می رفته است و به خصوص در دوران صفویه و پس از آن در دوره قاجاریه بسیار پرکاربرد بوده است.

وقف در لغت به صورت های گوناگون تعریف شده است که قدر جامع همه آنها به معنای ایستادن، درنگ کردن و حبس کردن است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق: ج ۹، ص ۳۵۹؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ ق: ص ۱۳۵) در اصطلاح نیز اکثراً وقف را حبس کردن اصل مال و رها کردن منفعت آن می دانند و سند اکثر این افراد در تعریف وقف، حدیث نبوی است: «حَبَسَ الْأَصْلُ وَ سَبَّلَ الْمَنْفَعَةَ» است. (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ج ۳، ص ۵۳۸) یعنی منع از تصرف در آن به تصرف ناقله و منظور از «تسییل»، این است که واقف از استفاده منافع به طور شخصی صرف نظر و مقدر کند که در راه خدا و امور خیریه مصرف شود. (محقق کرکی، ۱۴۱۰ ق: ص ۶۱) در وقف ملک و مال، هر نوع

منفعت و سودی برای خود شخص، ایستاده و متوقف می‌شود و منافع آن فقط در راه خدا خواهد بود؛ بنابراین وقف، متوقف کردن مالکیت شخصی و عمومی کردن منافع آن در راه خدا و برای مردم؛ همچنین عدم امکان انتقال آن به صورت‌هایی مانند معامله، خرید و فروش، هبه، ارث و... است.

نخستین خانه‌ای که برای عبادت از سوی خدای متعال تعیین و از سوی حضرت آدم علیه السلام وقف شد، بیت الله الحرام است؛ سپس خداوند متعال جایگاه کعبه را به حضرت ابراهیم علیه السلام نشان داد؛ قرآن کریم می‌فرماید: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلَّهِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ)^۱ در این آیه به نخستین خانه اشاره شده است. این اول بودن ممکن است اشاره به آشکار شدن نخستین نقطه روی زمین (دحو الارض) باشد؛ اما احتمالی که با ظاهر آیه سازگارتر است این است که مراد نخستین خانه عمومی روی زمین است، چنانکه در روایتی، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: نخستین خانه مبارک و هدایت‌گر برای مردم که برای عبادت وضع شده، کعبه و بیت الحرام است در حالی که پیش از کعبه، خانه‌های فراوانی بوده است. (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۳، ص ۱۷۸) درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «وَهُوَ عَبْدُ اللَّهِ قَدْ أُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ عَمَدًا إِلَى قُرْبَاتٍ لَهُ فَجَعَلَهَا صَدَقَةً مَبْتُوَلَةً تَجْرِي مِنْ بَعْدِهِ لِلْفُقَرَاءِ قَالَ إِنَّمَا فَعَلْتُ هَذَا لِتَصْرِفَ وَجْهِي عَنِ النَّارِ وَتَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي وَجْهِي» (همان، ج ۱، ص ۱۰۲).

افرادی در طبقات مختلف اجتماعی تمایل دارند که در راه تحصیل رضای خداوند، مقداری از مال و ثروت خود را برای مصارف گوناگون وقف کنند. کسانی که بنابر حدیث علوی «مَنْ أَيْقَنَ بِلِخْلَفِ جَادٍ بِاعْطِيَهُ» (شیخ صدوق: ۱۳۷۶، ص ۴۴۷) باور دارند که با بخشش مال، نه تنها ثروت آن‌ها کاهش نمی‌یابد بلکه با بهترین

جایگزین‌ها پر می‌شود. درباره معانی لغوی و اصطلاحی وقف در قسمت قبلی صحبت به میان آمد و آن تحییس مال و آزادسازی منفعت است. بین مشهور فقیهان این‌گونه آمده است که قصد قربت در قبول وقف شرط است. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ ق: ج ۱، ص ۱۸۶) وقف را همان صدقه نامیده‌اند و در احادیث به صدقه تعبیر شده است، به همین دلیل معصومین علیهم‌السلام وقف را از صدقه شمرده‌اند. (بحرانی، ۱۴۰۵ ق: ج ۲، ص ۱۲۵) در سنت اسلامی و سیره معصومین علیهم‌السلام، نمونه‌های فراوانی از وقف اموال وجود دارد که چند مورد از آن در فصل گذشته اشاره شد. درباره حضرت زهرا علیها‌السلام آمده است که ایشان بسیاری از اموال خود را وقف می‌نمود و تولیت این اموال وقفی را به حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و پس از ایشان به امام حسن علیه‌السلام و سپس امام حسین علیه‌السلام و بعد از آن‌ها به فرزند بزرگ‌تری که از نسل حضرت زهرا علیها‌السلام و حضرت علی علیه‌السلام - هر دو - باشد، واگذار می‌فرمود. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۷، ص ۴۸) دیگر معصومین علیهم‌السلام نیز به همین منوال به وقف می‌پرداختند حتی درباره حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام آمده است که ایشان هنگام ورود به سرزمین کربلا، نواحی مزار شریف خود و اطراف آن را که حرم مطهر در آن واقع شده است از اهالی نینوا و غاضریه به مبلغ ۶۰ هزار درهم خریداری فرمود و سپس آن را به خود ایشان تصدق فرمودند. (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۴، ص ۱ و ج ۱۰، ص ۳۲۱)

وضعیت اجتماعی ایران در دوران قاجار

دوران پرفرازونشیب قاجار پس از دوران اوج‌گیری فرهنگ و تمدن اسلامی و شیعی در زمان صفویه به همراه رفاه و امنیت نسبی آن، فرارسید و دارای تنگی و گرفتاری‌های فراوان برای اکثریت مردم عادی و غارت، چپاول، طغیان و راحت‌طلبی از سوی امیران و پادشاهان است. در این دوره به دلایل گوناگون، رفاه و معیشت طبقات پایین‌تر جامعه رو به‌سختی رفت و مردم با مشکلات فراوان در زمینه‌های داخلی و خارجی مواجه شدند. وضعیتی که در انتها موجب کاهش چشمگیر جمعیت کشور در دوران

قاجار و مشکلات و مصائب مردم می‌گردد. (سپهر، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۲۸۵ و سیاح، ۱۲۴۶ ق: ص ۵۰۷ و ۱۲) به گواهی مورخان به‌ویژه سفرنامه نویسان اروپایی، وضعیت بهداشتی در دوران قاجاریه بسیار نامطلوب و ضعیف بود و مردم در اوضاع نابسامانی از این لحاظ به سر می‌بردند. وجود بیماری‌های واگیردار و اپیدمی‌های همه‌گیر، مزید بر علت شده و موجب از بین رفتن جان مردم می‌شدند. (دوبد و ادموندز و مینورسکی، ۱۳۶۲: ص ۱۲۰؛ حمیدی، ۱۳۷۸: ۵۱) بهداشت آب نیز در این دوران وضعیت مناسبی نداشت، برای نگهداری آب، آب‌انبارهایی احداث می‌شد که گاه بهداشت آن رعایت نمی‌شد. (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۱۰۵۶؛ کرزن، ۱۳۸۰: ج ۱، ص: ۲۱۸). بهداشت معابر و گذرگاه‌ها نیز مطلوب نبود و به حدی در این مسائل کوتاهی می‌شد که عامل انتقال بیماری‌های خطرناکی در آن دوران می‌شد. (فراهانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۵۹؛ فلور، ۱۴۲۱ م، ص ۳۰۳؛ کرزن، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۹) در زمینه پزشکی، دوران قاجار را می‌توان به دوران طب سنتی، تقابل پزشکی نوین و سنتی و غلبه طب نوین تقسیم نمود. در این دوران به دلیل ضعف موجود در بهداشت عمومی و بیماری‌های همه‌گیر که در طی سالیان متمادی مردم را گرفتار می‌کرد، مردم در سختی و رنج بودند و طب سنتی در آن دوران توان مقابله با این حجم از بیماری را نداشت. پس از تأسیس دارالفنون و اختصاص رشته‌هایی به پزشکی نوین، علم طب در ایران وارد مراحل جدیدی شد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ص ۲۶۰؛ و آدمیت، ۱۳۵۵، صص ۴ و ۳۵۳) پیش از ورود آموزش به شیوه نوین در دوره قاجار، تعلیم و تربیت از طریق مکتب‌خانه‌ها و حوزه‌های علمیه انجام می‌شد. مکتب‌خانه، مکانی بود که اشخاصی با حداقل سواد هم می‌توانستند در آن به آموزش‌های مسائل شرعی و مذهبی، صرف و نحو و... بپردازند. (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۲۰؛ پولاک، ۱۳۶۸: ص ۱۴۱) با تأسیس دارالفنون، آموزش به شکل نوین به ایران راه یافت. (بهنام، ۱۳۸۳: ص ۳۱) به دنبال دارالفنون، مدارس دیگری نیز تأسیس

شد. اولین مدرسه به سبک جدید توسط میرزا حسن رشديه تأسيس شد. پس او افرادی ديگري نيز به اين کار دست زدند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۲۵۴)

نقش آفرینی نهاد وقف در خدمات اجتماعی زمان قاجار

پس از شکوفایی نسبی پیش آمده در امور سیاسی، کشورگشایی، رفاهی و اجتماعی در دوران صفویه؛ افت‌های محسوسی در این امور در دوره قاجار، شروع می‌گردد و با بی‌کفایتی پادشاهان این دوران و ورود کشورهای بیگانه با انگیزه‌های استعماری، به اوج می‌رسد. شاهان و دربار قاجار در یک دوره طولانی، گرفتار درگیری‌ها و سیاست‌بازی‌های دول قدرتمند آن زمان بودند. در چنین اوضاعی که مردم ایران با فقر و تنگدستی و نابسامانی‌های اجتماعی گریبان گیر شده بود، تمامی ثروت ملی در جهت هزینه‌های دربار و جنگ و سوءاستفاده قرار داشت. (شمیم، ۱۳۷۱: ۱۲۴-۱۷۶)

به طوری که اعتماد عمومی به نهادهای دولتی در این برهه از بین رفته و خدمات اجتماعی روبه سوی نهادهای مردمی با سبغۀ مذهبی گرایش می‌یابد. در زمان قاجار با عنایت به شرایط نامطلوب اقتصادی، بهداشتی و آموزشی، خدمات اجتماعی حول محور بهبود وضعیت اجتماعی مردم در این حوزه‌ها سامان می‌یافت و توسط نهادهای مختلف به اجرا درمی‌آمد. مهم‌ترین و کارآمدترین نهادی که بیش از هر حوزه دیگر توانست باری از دوش مشکلات اجتماعی مردم در زمان قاجار بردارد، نهاد مذهبی وقف بود که در مصادیق گوناگونی چون ساخت آب‌انبار، مدرسه، یتیم‌خانه، بیمارستان، کمک به فقرا، ساخت سرپناه، حمام، کاروانسرا و... توسط گروه‌های مختلف مردمی یا صاحب‌منصبان اجرا می‌شد. در دوره قاجار، واقفان برای رفع نیازهای مردم از طریق وقف اقدام می‌کردند و رقابت بیشتر در محدوده بازار و اطراف آن متمرکز بود. در نظام سنتی قاجار، اغلب نهادهای مدنی، حتی اگر دست‌اندرکاران حکومت بانیان آن بودند، در قالب وقف و متکی به نظام استوار وقف عمل می‌کرده است؛ (باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸ و ۱۵۹) نظامی که از یک سو به صورت غیردولتی و از سوی دیگر پس از اجرای

صیغه وقف به صورت غیر خصوصی عهده‌دار فعالیت‌هایی بود که اکنون در حیطه کار وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی چون آموزش و پرورش، آموزش عالی (مکاتب و مدارس)، بهداشت و درمان (دارالشفاه، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها)، بهزیستی و تأمین اجتماعی (ایتام و مستمندان)، راه و ترابری (پل‌ها و جاده‌ها)، نیرو (قنات‌ها، آب‌انبارها و یخچال‌ها) اقتصاد (بازارها و دکان‌ها)، کشاورزی و باغداری (زمین‌های زراعی و باغات)، وزارت ارشاد و تبلیغات اسلامی (نشر کتب و تبلیغ دین)، حج و زیارت و حتی سازمان میراث فرهنگی (حفظ و احیای آثار و بناهای مذهبی و عام‌المنفعه) است. (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷: ۱۱۷ الی ۱۳۴) در دوران قاجار افراد خیر به دلیل بی‌اعتمادی به حکومت و اینکه اطمینانی از اینکه مال تخصیص داده‌شده به همان مصرف خواهد رسید یا خیر؛ به وقف روی می‌آوردند. گرچه وضعیت موقوفات در این دوره با وجود اقدامات اصلاحی دولتی، آشفته بود. (راوندی، ۱۳۸۲: ج ۴، ص ۸۶۱) در این دوران درباره زمین‌های وقفی باید گفت از تعداد آن‌ها کاسته و به میزان زمان‌های خالصه افزوده گشت. (همان، ج ۳، ص ۱۶۴) انگیزه‌های واقفان نیز همواره خدایسندانه یا انسان‌دوستانه نبود و گاه به دلیل تظاهرات مذهبی و خودنمایی و دست‌یابی به شئون اجتماعی صورت می‌گرفت. (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۵۲)

وقف در اسلام با انگیزه‌های قوی توحیدی درهم آمیخته است. انسانی که تنها مالک حقیقی همه چیز را خداوند متعال می‌داند؛ برای خود مالکیتی قائل نیست و آنچه از اموال منقول و غیرمنقول در دست دارد؛ از آن خداوند می‌بیند و تلاش دارد آن را با انگیزه‌های قصد قربت و رضایت مالکیت حقیقی، به مصرف برساند. در دوران قاجار نیز؛ موقوفات از نظر تعداد و کیفیت، دارای حجم بالا و قابل قبولی بود و شاید بتوان گفت مهم‌ترین پشتوانه مالی خدمات اجتماعی را در آن عصر تشکیل می‌داده است. واقفان علاوه بر وقف املاک منقول و غیرمنقولی که به طور مستقیم مصارف خدمات اجتماعی داشته است مانند آب‌انبار، کاروان‌سرا، حمام، اطعام نیازمندان، کمک به

مستمندان و... در موقوفاتی که فقط جنبه‌های مذهبی داشتند نیز این امور خیریه را لحاظ می‌کردند. در انتخاب متولیان موقوفات به فقیر بودن ایشان توجه داشتند تا علاوه بر نگهداری مساجد و یا بقاع متبرکه، شخص نیازمند نیز دارای درآمد گردد. به علاوه، واقفان، نیازمندان تهی دست را که توان مالی مسافرت به شهرهای دیگر و زیارت گاه‌های مذهبی نداشتند؛ با هزینه‌های وقفی این مناطق متبرکه، به آن‌ها اعزام کرده و موجبات تجدید نشاط روحی و معنوی آن‌ها را فراهم می‌آوردند. در زمان قاجار پیش از اداری شدن مسائل مربوط به وقف و تشکیل اداره مخصوص به آن، این اقدام خدایسندانه توسط نهادهای مردمی انجام می‌گرفت. در ابتدای قاجار بیشتر موقوفات در امور آموزش علوم دینی و مسائل فقرزدایی و اجتماعی انجام می‌گرفت اما پس از تحولات نوین اواسط قاجاریه به تدریج مدارس جدید و یا احداث بیمارستان‌ها و بناهای دیگر نیز در دستور کار واقفان قرار گرفت که از جمله می‌توان به عمارت، محوطه و باغ بهارستان یا قنات مهران و باغچال در تهران اشاره کرد. (رضایی، ۱۳۸۶: ۳۵۵)

قاجار که خود را حکومتی شیعی و دیندار معرفی می‌کرد، سعی داشت نشان دهد به فرهنگ وقف اهمیت می‌دهد. لذا در سال ۱۳۲۸ ق، اداره اوقاف در زیر نظارت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تشکیل شد و در تمامی شهرستان‌ها، مسئول اداره معارف بود که وظیفه داشت در کنار رسیدگی به امور آموزش و پرورش به موقوفات نیز رسیدگی کند. (بن سلمان، ۱۳۵۸: ۹۹) اداری شدن مسائل مربوط به اوقاف از زمان قاجار و با پررنگ شدن نقش دولت و رشد ادارات انجام شد. در زمان صدارت ممتازالملک بر وزارت معارف، اصلاحاتی در امور اوقاف در شش بند به شرح زیر انجام گرفت:

ماده اول- اداره اوقاف وجوه ذیل را به شرح فقرات آتیه از عایدات موقوفات ممالک محروسه ایران برای صرف در تکمیل تأسیسات اداره مرکزی و دوایر اوقاف و توسعه

معارف و سایر ترتیبات خیریه به ترتیبی که مواد مصارف آتیه معین خواهد نمود، دریافت می نماید.

الف) از عایدات کلیه اوقاف ممالک محروسه که از طرف مجلس شورای ملی به موجب قانون مصوبه در جلسه ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ به اداره اوقاف نظارت داده شده نیم عشر.

ب) از عایدات قانون الصاق تمبر که پیشنهاد علی حده برای تصویب آن تقدیم خواهد شد آنچه عاید شود پس از مصارف ایجاد.

ج) از موقوفاتی که عایدات فعلی آنها از آنچه واقف برای مصارف معینه تعیین نموده، زاید باشد بعد از ایفاء به مصارف مذکوره مازاد.

د) از عایدات موقوفات مجهول المصرف که شرعاً باید در مبرات مطلقه صرف شود؛ دو عشر.

ه) از قسمت مبرات مطلقه موقوفات چه کل آن وقف مبرات مطلقه باشد چه بعض؛ دو عشر.

و) از عایدات موقوفات مسلوب المنفعه که دولت آنها را آباد می نماید؛ نصف.

ز) از قسمت غیر مبراتی املاک موقوفه مسلوب المنفعه که دولت آنها را آباد می کند و مصرف مبراتی و غیر مبراتی هر دو دارند. از قسمت مبراتی کل از قسمت غیر مبراتی نصف.

ماده دوم- فقره اولی از ماده اول اختصاص به تکمیل اداره مرکزی و تأسیسات سایر ولایات خواهد داشت و چنانچه کفایت نکند کسر آن از عایدات تمبر تکمیل خواهد شد.

ماده سوم- سایر فقرات ماده اولی تخصیص خواهد یافت به تأسیس مدارس ایتام و فقراء و مریض خانه های عمومی و سایر مؤسسات خیریه از قبیل تأسیس دار العجزه و اعانه و جمع آوری فقرا و... .

تبصره- حوزه هر موقوفه برای مصرف شدن عایدات آن مقدم خواهد بود بر محل دیگر به قدر لزوم.

ماده چهارم- همه ساله بودجه عایدات مذکوره جمعاً و خرجاً در ضمن بودجه کل وزارت معارف و اوقاف به وزارت مالیه تقدیم خواهد شد.

ماده پنجم- جمع آوری وصول عایدات مذکوره به دستورالعمل وزارت اوقاف و نظارت اداره و دوائر اوقاف محل در همه جا بر عهده مأمورین مالیه است. مأمورین مالیه مکلف اند که دفاتر مخصوص و حساب های معین برای عایدات مذکوره ترتیب داده و با سایر عایدات دولتی مخلوط نمایند- مأمورین مالیه به موجب دستورالعمل وزیر اوقاف، عایدات مذکوره را به بانک ها و صراف خانه ها تحویل خواهند نمود که مطابق حواله وزیر مذکور به مصارف مصوبه برسد.

ماده ششم- وزیر معارف و اوقاف، نظامنامه های مخصوص برای اجرای این قانون مرتب نموده و سه ماه پس از تاریخ تصویب و رسمیت این قانون به موقع اجرا خواهد گذاشت. (سپهر، ۱۳۳۶: ۳۵۱ و ۳۵۲)

برای مثال در وقف نامه ای که مربوط به آب انبار در زمان قاجار است، شخصی در شهر یزد آب انباری را در عمارت زیبا وقف می نماید که دو طرف آن به وسیله درختان پوشیده شده و دارای دو مدخل برای برداشت آب در داخل عمارت و همچنین در خیابان است. (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ج ۳، ص ۳۵۷) وقف این آب انبار با توجه به شرایط شهر یزد که از گرما و خشک سالی رنج می برد یکی از مصادیق مهم خدمات اجتماعی در دوران قاجار است که بانگیزه های مذهبی توسط واقفان آن دوران صورت پذیرفته است.

موقوفات آستان مقدس امام رضا علیه السلام، نیز به مصارف عام المنفعه ای مانند روشنایی، فرش، ساخت بیمارستان زوار، شام و نهار خدام کشیک و عده ای برای شام و نهار فقرای زوار و همچنین شعب دیگر مصارف که هر یک موقوفه خاصی دارد، می رسید. وظیفه

انتخاب تولیت آستان مقدسه رضوی با پادشاه بود و او تولیت این املاک، مصارف و موقوفات را بر عهده داشت. این متولیان می‌بایست هر موقوفه را در مصرف تعیین‌شده، مصرف کنند و نباید آن را در قسمت دیگر بی‌اجازه مجتهد جامع‌الشرایط مصرف نمایند. (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۴۰، همدانی مستوفی، ۱۳۱۷، ۱۳۸)

در شهر تهران در زمان آغامحمدخان قاجار (۱۱۷۵ - ۱۱۷۶)، حاج رجب‌علی اصفهانی؛ کاروان‌سرا، آب‌انبار، سقاخانه، تکیه و سه باب خانه را در راه اجرای تعزیه‌داری و برای مصارف عام وقف نموده است. (حسینی بلاغی: ۱۳۸۷: ص ۳۷)

درباره اموالی که اعتمادالسلطنه وقف نموده، گفته شده که عمارت نظامیه واقع در تهران نزدیک نگارستان، مسجدی در کربلا و مدرسه‌ای در نجف اشرف، قنات صدریه و کاروانسرای صدرآباد راه قدیم قم واقع در حوض سلطان، دو باب کاروانسرای صابون‌پز خانه که هزینه اجاره آن به مصارف روشنائی عتبات عالیات وقف شده است، تعمیر مرقد امامزاده ابوالفضل در روستای لواسان و بنای مسجدی بزرگ در روستای افجه نزدیک تهران، حمام و کاروان‌سرا در افجه که حمام وقف بر عابران سبیل است، حمام در انباج و ساختن راه افجه و بستن پل بر رود گلندوک و کاروانسرای در لار تهران و حمام در یکی از روستاهای نور، دو باب آب‌انبار در ساری و بستن پل آمل و تعمیر راه کتل کبود و سد روستای نور، تعمیر حمام تخت سر تنکابن و حمام شهر بند و ساختن حمام و پلی در سول ده بوده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۴۷ و ۲۴۸) که نشان می‌دهد فرهنگ وقف با انواع انگیزه‌های مختلف میان طبقات مختلف اجتماعی دوران قاجار رواج داشته است.

در حوزه خدمات بهداشت و درمان، وجود گرمابه‌ها و شغل‌هایی چون سلمانی و دلاکی قابل تأمل است که مصادیقی از انجام خدمات اجتماعی محسوب می‌گردند و همچنین با وجود ورود تدریجی طب نوین، همچنان در دوران قاجار طب سنتی به پیشتازی خود ادامه می‌دهد و در حوزه بهداشت و درمان به انجام خدمات اجتماعی

در این حوزه می‌پردازد. با این توضیح که این واکنش در برابر مسائل مربوط به پزشکی، ریشه در گذشته داشته و دارد که به‌نوعی وجه تمایز جوامع از همدیگر است. بیماری که خود همراه با فشارهای جسمی و روحی است، زمینه را فراهم می‌نماید که انسان برای رهایی از بیماری و بازیابی دوباره سلامت، به انواع مختلفی از راه‌های ممکن چنگ بزند که در این میان درمانگران مختلف در دسترس، در ارائه راه‌ها و شیوه‌های درمانی، نقشی مهم را بر عهده داشته و دارند. در جامعه ایران دوره قاجار به‌ویژه دوره ناصرالدین‌شاه همگام با ورود تدریجی پزشکی نوین غربی که حتی در برخی موارد با اقبال مردم نیز روبه‌رو می‌شد، درمانگران طب سنتی و عامه نقشی اصلی و مهم در معالجه بیماری‌ها بر عهده داشتند. (نائبیان، ۱۳۹۴: صص ۱۷۱ الی ۲۰۱) دلاکان و سلمانی‌ها با شتاب و قدرت وارد حوزه بهداشت و امور سلامت در دوره قاجار شده بودند که حتی گاهی در مقابل طب و پزشکی نوین نیز قد علم کرده و همواره مردم را به سوی روش‌های طبی خود جذب کرده و خدمات پزشکی را به مردم ارائه می‌دادند و روند کار آنان مدت‌ها پس از ورود طب نوین غربی، همچنان ادامه داشته است. این گروه علاوه بر کارهای حرفه آرایشگری مانند کوتاه کردن موی سر و ریش و کیسه‌کشی در حمام، برخی از اعمال حوزه پزشکی مانند کشیدن دندان، کار ختنه، رگ‌زنی و... را نیز انجام می‌دادند. (جانب‌اللهی، ۱۳۹۰)

درباره موقوفات میرزا حسین قلی خان قزوینی در پایتخت نوشته‌اند: «تأسیس، بنیاد و انشاء ابواب آل مرحوم میرزا حسین خان قزوینی سپه‌سالار اعظم قدس سره در دارالخلافه ناصره که مشتمل است بر جامعی کبیر و مقصوره‌ای خطیر و مدرسه بدیع با صحنی وسیع و طبقات از حجرات و مآذن و منارات و مکتب و مخزن و مریض‌خانه و حمام و سایر لواحق و ضمایم درنهایت امتیاز و استحکام و صفحات جدران و ازارات بنیان در غالب این اساسات و مبانی به مزوقات احجار و معرقات ملونه قاشانی تزیین

یافته است و لوازم تحصیل طلبه علوم را من جمیع الجهات از مخارج و کتب و مواعین و اثاثات، واقف موفق فراهم آورده.» (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۱۱۶)

از جمله حیطه‌های مهم ورود نهاد وقف در دوره قاجار، حوزه آموزش، تعلیم و تربیت است، به‌طور مثال مدرسه خیریه‌ای از وجوه خاصه منتظم الدوله سردار مکرم وزیر قورخانه^۱ تأسیس و دایر شده و تمام مصارف شاگردان را از نهار و شام و کتاب و غیره خود او متحمل شده بود. به‌علاوه او بخشی از اموال خود را نیز وقف می‌کرد تا صرف مخارج معلمین و خدام شود به‌طوری‌که همیشه ۳۰ نفر شاگرد از دانش‌آموزان یتیم در آن مدرسه مقیم بودند و شام و نهار و لباس آن‌ها را سردار مکرم می‌داد؛ و بدون گرفتن ماهانه، سردار، مخارج تغذیه و البسه آن‌ها را متحمل می‌شد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۳۸۳ و ۳۸۴)

به‌جز پایتخت در شهرهای دیگر نیز مردمانی با انگیزه‌های مذهبی و خداپسندانه دست به خدمات اجتماعی می‌زدند، از جمله حسینقلی خان کلهر کرمانشاهی پسر مصطفی قلی خان پسر حاج شهباز خان کلهر بانی که از واقفان کرمانشاه بوده است و مسجد و مدرسه و حمام و مستغلاتی را در کرمانشاه وقف عام نموده است. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص: ۷۹۳)

فرهنگ وقف در این دوره رونق فراوان داشت و از بازاریان و متمولین گرفته تا حتی شاهزادگان و پادشاهان به این امر مبادرت می‌ورزیدند. برای مثال مشیرالسلطنه مدرسه‌ای جهت طلاب علوم دینی دایر کرد که طلاب می‌توانستند در آن سکونت و گذران زندگی داشته باشند و شروطی نیز جهت استفاده طلاب از این مدرسه ذکر می‌کند که از آن جمله می‌توان به تقوی، بالغ و عاقل بودن، قبولی در امتحانات سالانه و... اشاره نمود. (رضایی، ۱۳۸۶، ص ۵۰ و ۵۱) برای مثال شخصی درباره موقوفات

خود در خاطراتش می‌نویسد: «و بر این جمله ضیاع چند و مستغلات سودمند وقف نمود، مثل شش دانگ قریه عمید آباد و داشلوجه و علی کریز و ارهان با توابع که هر چهار قریه در خمسه واقع است و شش دانگ قریه کمال آباد و چهار دانگ و نیم از قریه فیض آباد و دو دانگ از قریه آقا بابا که هر سه قریه در قزوین است و سه دانگ از قریه شهرک واقعه در طالقان قزوین و شش دانگ قریه کل تپه و رامین و شش دانگ قریه میان آباد غار و دیگر قیصریه و دو باب حمام مردانه و زنانه واقع در قرب قیصریه و ۳۵ باب دکاکین نزدیک آن ایضاً و ۱۸ باب دکاکین واقعه در بازار امیر که جمیعاً در دارالخلافت تهران است و تولیت این اوقاف و امور مدرسه با سلطان عصر است و نظارت با اخوه واقف به ترتیب و بعد هم با ارشد و اصلح اولاد ذکور ایشان و اولاد ذکور از ذکور و هکذا به شرحی که در طی هردو وقف نامه مطول و مختصر این اثر به تعبیر جناب شیخ اجل حیرت‌نحیر^۱ ملک الافاضل شیخ محمد مهدی شمس العلماء عبدالرب آبادی که سال‌ها در صحبت بنده، نگارنده می‌باشد، تصریح یافته و توضیح پذیرفته است.»

(نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۴۰۴) در شرح حال خاندان قلی بیگ، از موقوفات و خیرات وی نام برده می‌شود. (مجد الاسلام کرمانی، ۱۳۵۱: ۴) در شرح حال سهام الدوله آمده است؛ چون او فرزند ذکوری نداشت؛ تمام دارایی خود را که مبلغ هنگفتی می‌شد؛ وقف نمود: «سهام الدوله یک پسر و یک دختر بیشتر نداشت. پسرش (غلامعلی خان) در ۱۹ جمادی الثانیه ۱۳۰۹ در جوانی درگذشت و لذا سهام الدوله که بسیار ثروتمند بود (در حدود پنج کرور) تمام مایملک خود را وقف کرد.» (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۵۲۶) همچنین در شرح حال حاج محسن عراقی و موقوفات او می‌نویسند که وی قسمتی از املاک خود را وقف کرد. (همان: ج ۲، ص ۷۵۰) در خاطراتی از زمان قاجار از وصیت جالبی درباره وقف اموال شخصی، سخن گفته می‌شود: «آقا میرزا طاهر را دیده تا ساعت دو از شب به صحبت وصیت حاج

محمدتقی شاهرودی که تمام فرح‌آباد را وقف از برای مریض‌خانه و ثلث اموال دیگر برای مدرسه اطفال و سه وصی؛ یکی مخبرالملک و یکی حاج محمدرضا دامادش و یکی فقیه‌التجار و سه ناظر؛ یکی میرزا طاهر و یکی سفیر آلمان در ایران و یک نسخه از وصیت‌نامه که در موصل قبل از ناخوشی نوشته با مهر آقا میرزا طاهر به روستورف نماینده آلمان در موصل داده. اجرا آن را هم از اوصیاء جدا خواسته.» (کمرهای، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۲۵۱) یک یخچال نیز در ابهر که با هزینه‌های وقف مردمی احداث شده، یخ این یخچال به صورت منفعت عام در اختیار تمام مردم قرار گرفته بود. (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۱۵۶۵) ناصرالدین‌شاه در سفرنامه‌ای یک ده را به نام امیرآباد وقف از طرف سپه‌سالار می‌خواند. (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۱: ص ۵۹)

درباره موقوفات زمان قاجار می‌نویسند: «اراضی موقوفه زیاد است و اتصالاً شماره آن‌ها روبه فزونی می‌رود؛ زیرا که اشخاص مؤمن ثروتمند، همواره املاکی را وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه می‌نمایند و گاهی هم درو محصول در قصبه طرق کاروان‌سرا و دکان و یا تمام بازاری را وقف مصارف خیریه می‌کنند و در هر حال عایدات املاک وقفی زیاد است، مخصوصاً عایدات موقوفات حضرت رضا علیه السلام که مقبره او در شهر مشهد واقع است؛ بسیار مهم می‌باشند. این مقبره، در تمام مملکت موقوفاتی دارد که سالیانه عایدات آن‌ها به ۶۰۰۰۰ تومان نقد و ۱۰۰۰۰ خرور غله می‌رسد، مؤمنین ثروتمند، برای اجر اخروی غالباً املاک خود را وقف می‌کنند تا بعد از مرگشان عایدات آن‌ها به مصارف خیریه برسد.» (رونه، ۱۳۳۵: ص ۷۳) شهر شریف‌آباد که دارای قلعه‌ای با نزدیک به ۳۰ خانوار سکنه است دارای حمام و رباطی وقفی است. واقف یک‌سوم روستا و قنات آن را نیز خریداری نموده تا صرف تعمیر وی موجب حمامی و... بشود و اگر هم چیزی زیاد بیاید، به فقرای زوار بدهند. وی تولیت موقوفات را در اختیار امام‌جمعه مشهد قرار داده است. (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۸۴) قنات وقفی دیگری در دوران قاجار، در نزدیکی شیراز وقف شده است که بعد

ازکارافتادن توسط واقف دیگری تعمیر و آب گوارا و فراوان آن در اختیار عموم مردم قرار گرفته است. (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۸۵۴)

زنان واقف اکثراً محدود هستند به درباریان و ثروتمندان عصر قاجار. آسیه خانم (مادر فتحعلی شاه)، به تعمیر مدرسه حکیم هاشم که از آن‌پس به مدرسه مادر شاه شهرت یافت، با برقراری شهریه برای طلاب و مدرسان اقدام کرد. قمرالسلطنه، ماه تابان خانم (دختر فتحعلی شاه و نوش آفرین خانم) کتابخانه مدرسه سپهسالار، به درخواست او برقرار شد و بسیاری از املاک خود را در حصار خوبان، طالقان، غار، فشافویه، علی‌آباد و نصرآباد وقف تحصیل دستداران دانش و امور خیریه کرد. (حجازی، ۱۳۸۸: ۳۹۵) زبیده خانم دختر ماه آفرین یکی از همسران فتحعلی شاه کارهای خیریه و وقف داشته است. به طوری که نوشته‌اند علاوه بر موقوفات در تکایا و عزاداری‌ها، کاروانسرای مدور، برای اقامت زوار، در روستای تاج‌آباد با هزینه نزدیک به هشت هزار تومان ساخته است و همچنین پلی در نزدیکی کروان رود احداث نموده. (عضدالدوله، ۲۵۳۵: ج ۱ صص ۳۰-۳۲) یکی دیگر از نوادگان فتحعلی شاه، هما خانم، بر اساس نذری که کرده بود، پس از سفر مکه، در بازگشت به تهران، دست به ساختن مسجد و مدرسه می‌زند. او همچنین موقوفاتی برای مدرسه و مسجد تعیین می‌کند. صورت موقوفات سه دانگ از بازار گلوبندک با پنج باب دکان‌های متصل به مدرسه، یک خانه پشت مسجد و غیر از خانه مسکونی امام جماعت است. (اعظام قدسی، ۱۳۴۲، صص ۹ و ۱۰) از زنان خیر و واقف در دوره ناصرالدین‌شاه، انیس الدوله همسر وی می‌باشد. شرح آثار خیریه او به‌قرار زیر است: «حقیقه الماس تقدیم به روضه مقدسه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ضریح نقره برای شهدای کربلا، پرده مروارید تقدیم آستان حضرت سیدالشهدا، نیم تاج الماس تقدیم عتبه منوره حضرت رضا علیه السلام، تعمیر در نقره طلاکوب مسجد گوهرشاد، ده باب دکان وقف حضرت رضا علیه السلام برای روضه خوانی؛

وقف کاشانک، بقعه و گنبد شاهزاده حسین در امامه، بنای پل در ناصرآباد سمت
لواسان.» (اعتمادالسلطنه، ۱۴۰۳ ق: ج ۱ ص ۶۹)

در یکی از وقف نامه‌های مربوط به آب‌انباری در شهر یزد درباره انگیزه و اهداف
واقف از وقف آن آمده است: «هو الواقف فی الضمایر. مصدق آیه وافی هدایه «و من
الماء کلّ شیء حی»، در این وقت، توفیقات ربانی و تأییدات لم یزلی، قرین حال و
کفیل احوال عالی شأن عزّت و سعادت نشان، عمدت التجار و الاعیان اشراف، الحاج
عبدالکریم، خلف مرحمت شعار، آقا علی اکبر تاجر یزدی، المعروف به افشار گردید.
قربه الی الله و طلباً لمرضاته به جهت ذخیره یوم لاینفع المال و لا بنون. بانی این
مصنعه جنب حمام گودک، واقعه در محله فهادان، من محلات اندرون حصار
دارالعباده یزد گردید. کافه مؤمنین و مؤمنات از آشامیدن آن مستفیض شوند و طلب
مغفرت از برای آبی نمایند و غیر از آشامیدن، آن را صرف دگر نمایند. انّ الله لا یضیع
اجر المحسنین. ذلک التحریر فی یوم الجمعه عشرين شهر جمادی الاولی، من شهر
سنه مائین و سبع ثمانین بعد الالف، سنه ۱۲۸۷». (ملک‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

گاه بودجه موردنیاز برای امور خیریه از طریق وقف با مذاکره و جلب رضایت واقف
و یا واقفان یک شهر یا محله صورت می‌گرفته است. برای مثال در شهر کرمانشاه ضمن
مذاکرات محمدعلی میرزای دولت شاه با رجبعلی خان شیخ‌وند، املاکی از طرف او
وقف می‌شود. رجبعلی شیخ‌وند پس از مهاجرتش به کرمانشاه از دیار بکر ترکیه که در
آن موفق شد املاک وقفی بسیاری را احداث نماید؛ در این شهر نیز دست به موقوفات
فراوانی می‌زند. آثار وقف دولت شاه علاوه بر مستملکات شهری و برون‌شهری؛
بازارهای سرپوشیده، حمام و مغازه‌هایی است. صورت وضعیت وقف‌های وی مشتمل
بر دو مسجد، یک باب محوطه مشتمل بر حجره‌ها، مسجد، مدرسه، آب‌انبار مستقل و
محدود به عمارت دیوانی معروف به باغ شاهزاده است. (زارعی، ۱۳۹۸: ۱۷۷)

بیمارستان‌های دارالشفای حرم‌های مشهد و قم جزو نخستین و مهم‌ترین مراکز خدمات اجتماعی به‌خصوص در دوران قاجار بوده است. این شفاخانه‌ها با بودجه وقفی مردمی تأمین می‌شد. در ابتدا ۹۴ تومان برای هزینه‌های دارالشفاء سالانه پرداخت می‌شده است ولی با در نظر گرفتن افزایش تعداد بیماران و بینوایان، به ۲۴۰ تومان افزایش یافته است. (فلور، ۱۳۹۳: صص ۱۶ و ۱۷)



نتیجه گیری

قاجاریان که به مدت ۱۳۰ سال از سال ۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ بر کشور مسلط بودند، فراز و نشیب‌های فراوانی را برای مردم فراهم آوردند. به نوشته مورخان، خاطره‌نویسان و سفرنامه‌های سیاحان، کشور در حوزه وضعیت اجتماعی در تنگنا قرار داشت و اوضاع رفاه و معیشت عمومی، بهداشت، درمان و آموزش در اکثر سال‌ها، نامطلوب بود. در این اوضاع اجتماعی و اقتصادی، مردم در رنج و ظلم زندگی می‌کردند و در اسارت دول بیگانه، روزگار می‌گذراندند؛ به حضور نهادهایی که در راستای انجام خدمات اجتماعی فعالیت می‌کردند، بیش از هر چیز، احساس نیاز می‌شد. نهادهایی که با دید انسان دوستانه و خیرانه دست به اصلاح ساختارها و یا رفع مشکلات زده و به بهبود وضعیت نابسامان، یاری رسانند. در این میان، یکی از اساسی‌ترین نهادهای نقش‌آفرین در خدمات اجتماعی زمان قاجار، نهاد مذهبی وقف است. این نهاد که تا پیش از اواخر حکومت قاجار، نهادی کاملاً غیردولتی محسوب می‌شد؛ در اکثر حوزه‌های فعالیت خدمات اجتماعی در آن دوران ایفای نقش می‌کرد و مهم‌ترین منبع اقتصادی خدمات اجتماعی در آن زمان را تشکیل می‌داد. شاید بتوان از دلایل این اهمیت و فراوانی نهاد وقف در آن عصر را، انگیزه‌های قوی مذهبی در مردم آن زمان، نفوذ بالای روحانیت و مساجد و دعوت ایشان به این کار خداپسندانه، کم‌کاری دولت‌ها و اوضاع نامساعد اجتماعی، توجه به آستان‌های مقدسه و بذل موقوفات به آن‌ها در حوزه‌های خدمات اجتماعی و حتی گاهی تظاهر به مذهب و کسب نام نیک و شهرت، عنوان نمود. در حال دوران قاجار، عصر شکوفایی و رونق موقوفات بود که قسمت قابل توجهی از آن‌ها منبع مهم انجام خدمات اجتماعی آن عصر محسوب می‌شد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۵۵)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
۲. ابن سلمان، ابوسعید احمد (۱۳۵۸)، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ترجمه احمد صادقی گلدر، تهران: سازمان اوقاف.
۳. ابن فارس، حسین بن احمد (۱۳۹۹ ق)، معجم مقاییس الغه، قم: دارالفکر.
۴. ابن منظور (۱۳۹۹ ق)، لسان العرب، قم: ادب و الحوزه.
۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۴۰۳ ق)، خیرات الحسان، تهران: اداره انطباعات.
۶. _____، (۱۳۵۷)، صدر التواریخ، تهران: روزبهان.
۷. اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان (۱۳۵۱)، سفرنامه خانلرخان اعتصام‌الملک، تهران: منوچهر محمودی، ۱۳۵۱.
۸. اعظام قدسی، حسن (۱۳۴۲)، کتاب خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله، بی‌جا.
۹. باقری، اشرف السادات (۱۳۸۶)، شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی، تهران: امیرکبیر.
۱۰. بهنام، جمشید (۱۳۸۳)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: انتشارات فرزانه.
۱۱. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهان داری، تهران: خوارزمی.
۱۲. پیشوایی، مهدی (۱۳۷۸)، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام.
۱۳. جانب‌اللهی، محمد سعید (۱۳۹۰)، پزشکی سنتی و عامیانه مردم ایران با نگاه مردم شناختی، تهران: امیرکبیر.
۱۴. حسینی بلاغی، سید عبدالحجه (۱۳۷۸)، گزیده تاریخ تهران، تهران: مازیار.
۱۵. حسینی فسایی، حسن (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، تهران: امیرکبیر.
۱۶. حجازی، بنفشه (۱۳۸۸)، تاریخ خانم‌ها، بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار، تهران: قصیده‌سرا.

۱۷. حمیدی، سید جعفر (۱۳۸۷)، بوشهر در مطبوعات عصر قاجار، تهران: مرکز چاپ و انتشارات امیرکبیر.
۱۸. دوبد، بارون و سیسیل جان ادموندز و ولادمیر مینورسکی (۱۳۶۲)، دو سفرنامه درباره لرستان، ترجمه اسکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیاری، تهران: بابک.
۱۹. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، حیات یحیی، تهران، عطار.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه، ۱۳۸۲.
۲۲. رضایی، مختار (۱۳۸۶)، موقوفات میرزا احمد مشیر، وقف میراث جاودان، شماره ۵۹.
۲۳. رونه‌دالمانی، هانری (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه: محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
۲۴. زارعی، محمدابراهیم، یداله بابا کمال (۱۳۹۸)، بررسی نقش وقف در توسعه و رشد فضاهای شهری در دوره قاجار (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر کرمانشاه)، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۳.
۲۵. زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
۲۷. سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶)، مرآت وقایع مظفری، تهران: میراث مکتوب.
۲۸. سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶)، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
۲۹. شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۷)، وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران دوره‌های قاجار و پهلوی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۱ شماره ۳، ۱۳۷۷.
۳۰. شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۱)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات علمی.
۳۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الخصال، محقق و مصحح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم.
۳۲. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۴ ق)، تکمله العروه الوثقی، قم: کتاب‌فروشی دآوری.

۳۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق)، الخلاف، الجزیره: چاپخانه مؤسسه النشر الاسلامی، تابعه الجماعه المدرسین بقم.
۳۴. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی، تهران: راه رشد.
۳۵. عضدالدوله، سلطان میرزا (۲۵۳۵)، تاریخ عضدی، تهران: بابک، ۲۵۳۵.
۳۶. عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین السلطنه، تهران: اساطیر.
۳۷. فراهانی، حسن (۱۳۸۵)، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۳۸. فلور، ویلم (۱۳۹۳)، بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار، مترجم دکتر ایرج نبی پور، بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بوشهر.
۳۹. کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۰. کمره‌ای، سید محمد (۱۳۸۴)، روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای، تهران: اساطیر.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. _____، (۱۳۷۴)، چهل سال تاریخ ایران، تهران: اساطیر.
۴۴. محدث نوری، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
۴۵. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۰ ق)، جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء والتراث. رساله جامع علوم انسانی
۴۶. مجد الاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۱)، تاریخ انحطاط مجلس، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۴۷. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم‌السلام، بیروت: دارالاحیاء لتراث العربیه.
۴۸. مریدی، سیاوش (۱۳۷۸)، فرهنگ بیمه‌های اجتماعی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۴۹. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، تهران، زوار.

۵۰. مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۸۵)، جامع مفیدی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.
۵۱. مصطفایی، اقدس (۱۳۸۹)، حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی (بررسی حمایت‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی بین سالمندان بازنشسته شهر تهران)، کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء ع.ا.ه..
۵۲. معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، تهران: آدنا.
۵۳. ملک‌زاده، الهام، مهدیه خانی سانچ (۱۳۹۲)، آب‌انبارهای وقفی یزد در دوره‌های قاجار و پهلوی، مسکویه، شماره ۲۴.
۵۴. همدانی مستوفی، اسماعیل‌خان (۱۳۱۷)، آثارالرضویه من منتخبات الصدیقه، مشهد: چاپ سنگی.
۵۵. نائیبیان، جلیل، رضا دهقانی، جواد علی پور سیلاب، (۱۳۹۴) طب عامیانه در ایران عصر ناصری، دو فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال ۵ شماره ۱۰.
۵۶. نظام‌السلطنه مافی، حسین قلی‌خان (۱۳۹۲)، خاطرات و اسناد حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، مصحح معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان و حمید رام‌پیشه، تهران: نشر تاریخ.